



حضرت محمد(ص) در عالم فرشتگان هم سمت نبوت داشته اند

حقیقت وجود پیامبر(ص) قبل از نشئه طبیعت در عالم فرشتگان نیز سمت نبوت داشته و موجودات عالم غیب(فرشتگان) در پی تعلیم او از حقایق توحیدی آگاه شده اند.

حقیقت وجود پیامبر(ص) قبل از نشئه طبیعت در عالم فرشتگان نیز سمت نبوت داشته و موجودات عالم غیب(فرشتگان) در پی تعلیم او از حقایق توحیدی آگاه شده اند.

یکی از مباحث بنیادین در موضوع نبوت و پیامبرشناسی، شناخت خاستگاه نبوت و درک جایگاه نبوت ختمی در سلسله انبیاء الهی است. در نگاه عارفان اصل و اساس پدیده فرازمانی است. از این رو گفته شده: نبوت ذاتی حقیقی از آن روح اعظم است که خداوند او را به سوی انفس کل مبعوث کرده تا وی را از حقایق اسماء و صفات حق تعالی آگاه سازد و از رهگذر این نبوت است که نفوس جزئی نیز از اسماء و صفات و احکام الهی آگاه می شوند.

نبوت روح اعظم ذاتی است، ولی نبوت مظاهر آن (نبوت انبیاء) عرضی و گذراست، جز نبوت محمد(ص) که دائمی و زوال ناپذیر است، زیرا حقیقت او با روح اعظم متحد است و در صورت او مظهر روح اعظم است و حقایق اسماء و صفات به طور کامل در وجود او ظهور یافته است، در حالی که انبیای دیگر تنها مظاهر بعضی از اسماء و صفات اند. پس روح اعظم که گاهی از آن به عقل کل نیز یاد می شود در هر مظهری محمدی یا ذات و همه صفات تجلی یافته است.

در حکمت حضرت امام خمینی(ره) درباره خاستگاه نبوت نکته ای بسیار عمیق آمده که از نوآوری های ژرف آن حکیم فرزانه محسوب می شود.

تحلیل کلی آنچه که در کلام امام(ره) و سنائی آمده، براساس رویکرد عرفانی این است که ذات احدی به لحاظ حب الظهور و اظهار، تجلی فرمود. آنگاه از رهگذر این تجلی، تعیین اول که برزخ جامع میان وجوب و امکان است ظاهر گردید. این ظهور و جلوه هستی غیبی که از آن به نام های مختلفی نظیر قلم اعلی، روح اعظم، عقل کل، ام الكتاب و روح محمدی یاد می شود، در واقع آیین تمام نمای حقایق حضرت واحدیت است، یعنی هرچه در مقام واحدیت وجود دارد، در این به نحوی تجلی کرده است.

این حقیقت (تعیین اول) از آن جهت که حی است و حیات موجودات به واسطه افاضه می گردد روح اعظم نام دارد و از آن سبب که واسطه صدور موجودات است و به وسیله آن نگارستان عالم نگارش یافت و کتاب تکوین (جهان خلقت) کتابت شده است از آن به قلم اعلی یاد می شود و از آن رو که خود مبدأ خویش را تعقل می کند و مبدأ فیض علوم و معرفت همگان است آنرا عقل کل می گویند و به دلیل آنکه آیات و کلمات تکوینی و همه موجودات کلی و جزئی در ذات او مرتسم و نقش بسته اند و به نحو بساطت وجود دارند ام الكتاب نام گرفته است و بالاخره از آنجا که بی واسطه از مبدأ حق تعالی فیض می گیرد و انوار نبوت بر سایر انبیاء به واسطه او افاضه می شود، روح محمدی خوانده شده است.

به همین جهت است که نبوت همه انبیاء جلوه حقیقت نبوت محمدی است و نبوت تمام انبیاء در واقع تجلیات نبوت خاتم انبیاء است و همه انبیاء و اولیاء به واسطه حقیقت روح محمدی، فیض الهی را دریافت می کنند. این بیان امام در واقع بازتاب عرفانی آموزه های دینی است که در نکته دیگر به برخی از آنها اشاره می شود.

آنچه درباره برتری ختمی مرتبت بر انبیاء پیشین در حکمت امام(ره) و سنائی اشاره گردیده، الهام گرفته از آموزه های وحیانی است.

برخلاف تصور برخی عارفان که خاستگاه نبوت را از روح اعظم می دانند. در حکمت امام(ره) تصریح شده که اصل نبوت با بعثت اسم اعظم آغاز گردیده است، زیرا حقایق احدی غیبی با اسم اعظم الهی به مقام واحدیت تجلی کرده است، در واقع اسم اعظم حقایق ذاتی حق تعالی را به مقام واحدیت ابلاغ نموده و آنگاه روح اعظم آن حقایق را به نفس کل و از طریق او به نفوس جزئی ملکوتی و ملکی خبر داده است.

از این نکته معلوم می شود آنچه عارفان دیگر در باب خاستگاه نخست نبوت مطرح کرده و گفته اند که روح اعظم است. در واقع در مرتبه بعدی قرار دارد و خاستگاه نبوت مقام احدیت غیبی است. این همان نکته ای است که سنائی نیز بدان اشاره نموده که گفته اند: «در نبوت ودائع احدی».

این تعبیر سنائی حاکی از آن است که گویا او و امام در باب نخستین خاستگاه نبوت دیدگاه کاملاً یکسان دارند و هر دو معتقدند سرآغاز نبوت مقام احمدی است و نبوت ختمی مرتبت در واقع تجلی و ظهوری از آن حقیقت متعالی است. شاهد مسأله در کلام سنائی این است که او تصریح نموده عقل کل که تعبیر دیگری از روح اعظم است، حکمت را از حقیقت نبوت محمدی گرفته است، لذا گفت: «عقل کل زو گرفته حکمت و رای» در این نکته بسیار فاخر و مهم که نیاز به دقت مضاعف دارد، اسراری نهفته است و از کنار آن به سادگی نمی توان گذشت.

حضرت امام(ره) در مصبح الهدایة می نویسد: «حقیقت نبوت و امامت در عالم امر غیبی همین تعالیمی است که از ناحیه رسول اکرم(ص) و خاندان پاکش در نشئه عقلی (عالم فرشتگان) صورت گرفته است. این کلام امام بیان می دارد که حقیقت وجود پیامبر قبل از نشئه طبیعت در عالم فرشتگان نیز سمت نبوت داشته و موجودات عالم غیب(فرشتگان) در پی تعلیم او از حقایق توحیدی آگاه شده اند.

با این رویکرد معلوم می شود آنچه در حکمت سنائی درباره حکمت آموزی عقل کل از وجود پیامبر(ص) اشاره شده، خاستگاه وحیانی دارد و در حکمت امام خمینی(ره) با استناد به آموزه های وحیانی به تفصیل طرح و تبیین گردیده است.